



آدم زحمت کشیده‌ای بود و کم‌وبیش منابع تاریخی مشهور را می‌شناخت و در آثارش به کار می‌گرفت. با این وصف، تحصیلات او بیشتر در فقه و اصول بود و در فقه در حد سطوح مدرس خوبی بود. اما دانش تاریخ از نوعی دیگر است. فقط خواندن چند کتاب تاریخی یا آشنایی با چند منبع در سیره و تاریخ کفایت نمی‌کند. به‌ویژه اگر موضوع با مباحث کمترشناخته‌ای مانند اوضاع صدر اسلام و دوران اموی مرتبط باشد. در ۲۰۰ سال اخیر صدها پژوهش در زمینه تاریخ امویان و تاریخ جزیره‌العرب و احوال اجتماعی و سیاسی و فرهنگی اعراب و قبایل عرب فقط در زبان‌های فرنگی منتشر شده و باز همچنان بسیاری از مسائل هنوز درباره عصر اموی ناشناخته است. بررسی فرهنگ سیاسی خلفای راشدین و اموی و مفاهیمی مانند بیعت و شورا و فتنه و از این قبیل و نیز شناخت دستگاه ایدئولوژیک اموی و مناسبات میان قدرت سیاسی و قبیله‌گی و طبقات مختلف جامعه اسلامی در حجاز و عراق بسیار پیچیده‌تر از آن است که فقط با ارجاع به چند کتاب طبری و ابن‌سعد یا بحث‌های جدلی به‌دست آید. در سده بیستم در مصر و عراق و لبنان، کتاب و مقاله در موضوع عصر اموی کم منتشر نشده است که تعدادی از آن‌ها برای درک ما از فرهنگ سیاسی عصر اموی مفید است. درک علل و زمینه‌ها و اهداف و پیامدهای قیام حضرت سیدالشهدا(ع) نیازمند پژوهش‌های تاریخی عمیقی است و این با شناخت گسترده‌ای از تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی ممکن است. در چارچوب‌های پژوهش‌های سنتی تاریخی در این موضوع خاص به‌نظر کارهای مرحوم علامه‌عسکری و دکترشهیدی از بهترین پژوهش‌ها در زبان فارسی است. برخلاف این دو، از ضعیف‌ترین کارها در عرصه مطالعات مربوط به تاریخ امام‌حسین(ع)، کتاب «شهید جاوید» آقای صالحی‌نجف‌آبادی است. این کتاب برپایه شناخت ناقصی از صدر اسلام، عصر خلفای راشدین، دوران اموی، محیط تاریخی و اجتماعی و سیاسی عراق و شام و حجاز و دست آخر میانی دینی سده نخست قمری نوشته شد. متأسفانه علل سیاسی و واکنش‌های کمابیش ضعیف، این کتاب را چند سالی به‌شهرت رساند و در نهایت، کمتر فضایی فراهم شد تا به‌خوبی نقد شود. به‌تازگی دیدم برخی از نویسندگان و صاحب‌نظران این کتاب را نقد کردند و به‌درستی بر برخی ضعف‌ها و استنباط‌های غلط نویسنده آن دست گذاشته‌اند. آقای صالحی‌نجف‌آبادی با پژوهشی ناقص و ناستوار و غیرمتعهد به اصول علمی پژوهش تاریخی، قیام امام‌حسین(ع) را تحلیل کرد و بعد چون ایده او در این کتاب که به بحثی تاریخی مربوط می‌شد، با عقیده علم‌به‌غیب امام(ع) سازگار نمی‌افتاد، به عقیده علم‌لدنی امام(ع) پرداخت و حدود آن را به‌نقد کشید. این را می‌گویند خلط تاریخ‌نگاری و عقاید و آن هم با ابزارهای ناصحیح از سوی آدمی که ابزارهای لازم برای پژوهش تاریخی را در اختیار نداشت.

«امت» آنان در کار جفا بر اهل‌بیت(ع) بوده‌اند. در این متن از «سلم» و «حرب» در نسبت با اهل‌بیت(ع) و دشمنان آنان سخن می‌رود و بعد بلافاصله با ابراز لعن نسبت به آل‌زیاد و آل‌مروان و بنی‌امیه و عوامل و کارگزاران آنان به‌طور شخصی مقصود از دشمنان را تبیین می‌کند. آن‌گاه که در این متن از آل‌مروان و بنی‌امیه سخن می‌رود، روشن است که این سخن در فضایی بیان شده است که در آن این خاندان همچنان دارای قدرت هستند و با این متن، هدف این بوده است که نشان دهند قاتلان حسین‌بن‌علی(ع) و اصحابش گرچه خود در زمان حاضر نیستند، همچنان خاندان آنان هستند و حتی اگر خود را از آن عمل که در زمان یزید خلیفه اموی صورت گرفت برکنار می‌دانند، باز بر همان راه می‌روند و باید امروز با بازماندگان آنان مخالفت و دشمنی کرد. این امر کاملاً فضای یکی‌دو دهه پیش از انقلاب عباسی و وضعیت گروه‌های شیعی را در اوایل سده دوم در کوفه نشان می‌دهد.

با توجه به نکاتی که درباره پیشینه ادبیات «مقتل‌الحسین(ع)» در سده‌های نخست گفتید، در قرن‌های بعد به‌ویژه عصر حاضر، آثار تحلیلی بسیاری درباره علت قیام امام‌حسین(ع) نوشته شده است. یکی از این کتاب‌ها که جنجال زیادی در دوره خود آفرید، کتاب «شهید جاوید» نعمت‌... صالحی‌نجف‌آبادی است. نظر شما درباره جنبه‌های تحقیقی این اثر چیست؟

تحقیق تاریخی اگر برپایه درستی استوار باشد، گاه می‌تواند مبانی اعتقادی را تصحیح کند و گاهی نیز به‌چالش بکشد. نمونه‌ای که اینجا باید ذکر کنم، کتابی است که یاد کردید. این اثر سال‌ها از اثرگذارترین کتاب‌ها درباره عاشورا و قیام امام‌حسین(ع) بود و نقدهای بسیاری بر آن نوشته شد. من آن مرحوم را فقط یک‌بار در تهران دیدم و با او گفت‌وگو کردم.

خلافت امویان اجماع داشتند. در بخش اصلی این متن، صرفاً بر امویان تأکید و از آنان اظهار برائت شده است. این خود نشان از اصالت متن است، زیرا در متن‌های برساخته بعدی، به‌دلیل تأثیرپذیری از فضا و ذهنیت عمومی، نوع اظهار برائت‌ها به‌گونه‌ای است که چنین تأکیدی را بر امویان که به‌هرحال زمان آنان سپری شده است، از دست می‌دهد و تعابیر عام‌تری را شامل می‌شود که قابل تفسیر به عصر عباسیان می‌شده یا عقاید متحول‌تر شیعیان را درباره دایره برائت‌جویی‌ها در بر می‌داشته است.

در متن زیارت عاشورا، نام‌هایی از دشمنان و عاملان شهادت حضرت(ع) و پیروی‌کنندگان آن‌ها ذکر شده است. این تعابیر نیز تأییدکننده صدور این زیارت در سده‌های نخست است؟

در این متن نام شماری از دشمنان اهل‌بیت(ع) می‌آید که کاملاً نشان‌دهنده آن است که این متن در دورانی ارائه شده است که این نام‌ها هنوز برای مخاطبان شناخته بوده‌اند. تأکید بر آل‌زیاد یا شمر و عمرسعد در متنی که در دوران پایانی امویان ارائه شده، کاملاً طبیعی است و نشان‌دهنده احساس عمومی شیعیان درباره ظلم و جفایی است که از سوی امویان و تک‌تک افرادی و عوامل آنان در حق اهل‌بیت(ع) اعمال شده است. اگر این متن در دورانی متأخرتر ساخته شده بود، تحت‌تأثیر شرایط زمانی قرار می‌گرفت و از آن جمله اینکه تا این اندازه نام اشخاص و همچنین خاندان‌های مختلف اموی یا موالی امویان در آن مطرح نبود. اینکه در این متن از لعن و نفرین بر آل‌امیه و خاندان و عوامل سفاک آنان تا ابد سخن رفته، نشانه خوبی است برای اینکه این متن در زمانی ارائه شده که این خاندان‌ها قدرت داشته و متعماً از دستگاه جور امویان بوده‌اند و «اشیاع و اتباع و اولیای» آنان و به‌تعبیر دیگر زیارت،